

دیوان عطار نیشابوری

متن انتقادی بر اساس نسخه‌های خطی کهن

به سعی و تصحیح مهدی مدائنی، مهران افشاری

با همکاری و نظارت علیرضا امامی



فهرست مندرجات

۹.....	دیباچه
۲۱.....	مقدمه
۹۹.....	غزلها
۶۴۳.....	قصیده‌ها
۷۲۳.....	ملحقات:
۷۲۵.....	غزلها
۸۵۷.....	قصیده‌ها
۸۶۵.....	ترکیب‌بند
۸۷۱.....	فهرستها:
۸۷۳.....	واژه‌نامه: فهرست برخی از لغات و ترکیبات و مصطلحات
۹۱۱.....	فهرست اعلام: کسان، جایها، آثار
۹۱۵.....	کشف الایات: فهرست مصراعهای نخستین ابیات

سبحان خالقِی که صفاتش زکبِریا
بر خاکی عجز می فگند عقلِ انبیا
گر صد هزار قرن همه خلقِ کاینات
فکرت کنند در صفت و عزتِ خدا
آخر به عجز معترف آیند کای اله
دانسته شد که هیچ ندانسته ایم ما
«عطار نیشابوری»

دیباچه

ستایش و سپاس پروردگار هستی را که پس از بیست و اند سال کوشش، توفیق عطا شد تا تصحیح دیوان شاعر عارف ایرانی، فریدالدین عطار نیشابوری، نصیب آید و اینک به دوستانان فرهنگ و ادب فارسی تقدیم شود.

شبانروزان این بیست و اند سال از عمر، در تندرستی و بیماری، شادی و اندوهگینی، آسودگی و گرفتاری، به تصحیح این دیوان مستطاب سپری شد و ما از این نحو گذران عمر، اگر توانسته باشیم اندک خدمتی به فرهنگ و تمدن دیرپای و غنی سرزمینمان کرده باشیم، بسی خوشوقت و سرافرازیم.

تصحیح علمی / انتقادی شاهکارهای متون نظم و نثر ادب گرانقدر پارسی، بویژه آثار فحول و بزرگانی مانند عطار، متلازم است با صرف وقت و دقت و شکیبایی بسیار.

علامه شادروان، متتبع بصیر، جناب علی اکبرخان دهخدا، که بی اغراق صاحبِ حقّ عظیم، بلکه بی بدیل، برگردن زبان و ادب و فرهنگ فارسی زبانان گیتی است، در ضمن یادداشتهای «پراکنده» ای که از برای تمهید «مقدمه لغت نامه» ارجمند خود تعبیه فرموده بوده است، چنین مرقوم داشته:

«و دیگر خواستم یک بار به نحو اجمال نشان بدهم که اگر علماء ایران را از صفحه تاریخ دنیا برداریم، نه تنها عالم اسلام، بلکه جامعه بشریت هیچ چیز ندارد، یا در نهایت فقر و بیچارگی علمی و ادبی و صفتی (کذا) و اخلاقی است، و این نه غلوی است که می کنم و نه حیّ وطن من است که مرا بدین گفته می دارد؛ مثل من و با من پنجاه سال در رجال و کتب فحص کنید، به همان جا می رسید که من رسیده ام.»

و هم چنین در ضمن یادداشت دیگری فرموده است:

«چرا در ترجمه صوفیه اطناب کرده ام؟ در شرح حال همه»

صوفیان نکرده‌ام. در شیوخ تصوّف ایران این بسط و سعه را روا شمرده‌ام، چه عقیده من این است که برای اخلاق، بلندتر از افکار و اعمال متصوّفه ایران در همه اعصار و قرون، در همه جاهای این عالم ندیده‌ام، و دنیای امروزین هرروز که خواهد به معنی لفظ «آدمی» آشنا شود، باید از نور این طائفه اقتباس کند و رهایی یابد.^۱

بدون شک سلامت فکر، اندیشه مستقیم، وسعت مطالعه و تقوای علمی علّامه بی بدیل شادروان دهخدا، وی را از شائبه گزافه‌گوییها مبرا می‌دارد. بنابراین او ارجگزاری مقام والای پیشینیان دانشمند سرزمینمان و نشر عالمانه آثار آنان را در صدر وظایف اهالی تحقیق قرار می‌دهد.

در وهله نخست طرح این پرسشها که تصحیح علمی و انتقادی متون چیست؟ و نحوه انجام این مهم چگونه باید باشد؟ و پاسخ بدین پرسشها امری ضروری است.

تصحیح علمی/انتقادی متون عبارت است از تلاش عالمانه پژوهشگران در جهت بررسی و شناخت یک متن برای رفع شواذب تحریف و تصحیف؛ و نیز تشخیص الحاقات و سهو و سقطات و به صلاح آوردن اغلاط املائی و توضیح ابهامات معنائی آن متن بر بنیان منطق علمی، از برای به دست دادن صورت واقعی اثر و یا دست کم حصول به نزدیک‌ترین شکل به آنچه از دست و فکر مؤلف و مصنّف آن اثر برآمده است.

در تصحیح یک متن نسخه‌های خطّی و پژوهشگر مصحح دورکن اساسی کار به شمار می‌آیند:

الف) نسخه‌های خطّی در اعصار و قرون گذشته تنها ابزار تکثیر و نشر یک اثر بوده‌اند و این کار بر عهده کاتبان و نسخه‌پردازان متعدّد می‌بوده است. بنابراین تعدّد کاتبان تشّت و ناهمگونی در صورت نسخه‌های یک اثر واحد را در پی داشته است، این اختلاف و تفاوتها هم علی القاعده ناظر بر مسائل متعدّدی از این قبیل است:

- دوری و نزدیکی عصر تألیف با دوران کتابت و استنساخ آن.

- میزان داشتن سواد یا کم سواد کاتبان.

- شناخت کافی کاتب یا عدم آن از موضوع اثر.

- میزان اعمال دقّت و تأمل یا بی دقّتی و شتابزدگی ناسخ و کاتب.

- میزان امانتداری و یا غیر امین بودن کاتبان.

- میزان اعتبار نسخه مورد استناد کاتب (استنساخ از مادر نسخه معتبر و یا غیر معتبر).

در طی اعصار بروز خسرانهای دخل و تصرف ناروا، تحریف و تصحیف، الحاقات و سقطات

(افتادگیها)، تخلیط و تغییر و اعمال سلیقه شخصی کاتبان و تفاوتهای صوری و ماهوی ناشی از اختلاف دوره زبانی مابین دوران تألیف اثر و قرون و اعصار مابعد آن است که غالباً نسخه‌های متأخر را از حیث اعتنا و استناد ساقط می‌کند و حاکمیت نسبی اصل بنیادین «اقدام نسخ، اصحّ نسخ» را گسترش می‌دهد.

ب) پژوهشگر و مصحح متن نیز بایستی از مختصات زیر برخوردار باشد:

- پیروی کامل از منطق علمی.

- اهلیت و اجتهاد به عنوان دستمایه کار پژوهشگر.

- آشنایی لازم و کافی با زبان اثر.

- آشنایی با موضوع اثر.

- برخورداری از دقّت و تأمل و امعان نظر و سواس گونه در انتخاب و تصمیم‌گیری و پرهیز از شتابزدگی و سهل‌انگاری.

- آشنایی با زمان و عصر مؤلف همراه با مطالعه کافی و وافی در باب حواشی و حوالی دوران پیش و پس آن و به‌طور کلی کسب شناخت اسلوب بیان و سبک و سیاق عبارات زمانهای مختلف زبانی.

روش مختار ما در تصحیح دیوان عطّار نیشابوری

از دیوان عطّار نیشابوری تاکنون دو تصحیح مشهور عرضه و چاپ شده است: یکی متن مصحح شادروان استاد سعید نفیسی است (چاپ نخستین: تهران ۱۳۱۹ ه.ش.) که چاپ سوم آن نیز با تجدیدنظر و اصلاحات در سال ۱۳۳۹ ه.ش. انتشار یافته. تصحیح دیگری هم از این دیوان به توسط شادروان دکتر تقی تفضلی، ابتدا در ضمن انتشارات انجمن آثار ملی (۱۳۴۱ ه.ش.) و سپس بار دیگر با تجدیدنظر در عداد نشرات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، به عمل آمد که در تهران به سال ۱۳۴۵ ه.ش. انتشار یافت، و چاپ چهارم آن نیز در سال ۱۳۶۶ ه.ش. انجام گرفت.

مع‌الأسف بایستی به عرض برسانیم که آنچه از دیوان عطّار تاکنون در بازار کتاب عرضه شده چندان معتبر و معتنا و معتمد نیست. در هر دوی این چاپها هم خطاهای بسیار رخ نموده و هم تعدادی فراوان اشعار راه یافته است که بی‌گمان انتساب آنها به عطّار نیشابوری و همی بیش نیست. البتّه شادروانان پادشده بی‌تردید هر کدام در روزگار خود با تصحیح و چاپ دیوان عطّار خدماتی شایسته به زبان و ادب فارسی کرده‌اند و ما امروزه قدردان کوششهای آن بزرگوارانیم و حتّی در مواردی اندک در کتاب حاضر، خاصّه در ملحقات، از چاپ مرحوم تفضلی یاری گرفته‌ایم و در همین جا به فضل تقدّمشان در این باب اذعان داریم و احترام می‌گذاریم، روانشان شاد باد!

تصحیح دیوان شاعران متقدّم کاری است دشوار و دشوارتر آن که دیوان از شاعری پر تصنیف چونان